

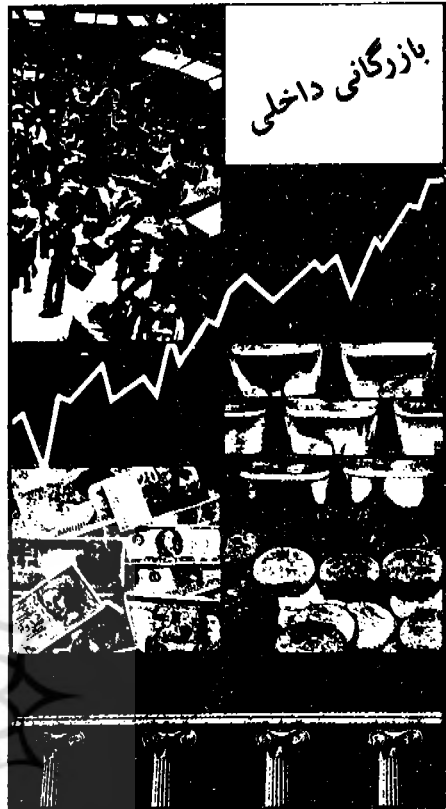
# «تحلیلی بر تحولات ارزی اخیر»

و بطور اخص روشن ساختیم که سرازیر شدن روزافزون نقدینگی کشور به سوی این بازار نه تنها باعث افزایش نرخ ارز در بازار مذکور گردیده بلکه تحت شرایطی میتوان استدلال نمود که این امر بی ثباتی بازار غیررسمی ارز را نیز تشدید نموده است. همچنین متذکر شدیم که در شرایط خاص دیگری این بی ثباتی را میتوان به عوامل غیرسودجو و حتی سیاست های ارزی متخذه متناسب نمود.

در نوشتار حاضر، سیاستها و تحولات ارزی اخیر کم و بیش در قالب بحث های قبلی مورد ارزیابی قرار می گیرند و تلاش آنست که نتایج این سیاستها تا زمان تهیه این مقاله (نیمه دیماه) تشریح گردد. نتایج احتمالی تغییر نرخ ارز ترجیحی رقابتی نیز بطور خلاصه مرور خواهد شد و با یک جمع بندی بحث را خاتمه می دهیم.

## مروری بر تحولات ارزی اخیر

چندی قبل اعلام شد که دولت ارز را با نرخ ترجیحی رقابتی در اختیار برخی از صنایع دولتی و خصوصی خواهد نهاد تا با ورود مواد اولیه اقدام به افزایش تولید نمایند و از این طریق رونق اقتصادی و اشتغال به کشور بازگردانده شود و کمبود کالاها نیز تا حدودی مرتفع گردد. نرخ دلار در ابتدا



بازرگانی داخلی

## مقدمه

در این سلسله از مقالات ابتدا به چگونگی تعیین نرخ ارز در بازار غیررسمی اشاراتی داشتیم و مهمترین عوامل مؤثر بر تغییر و ایجاد نوسانات در نرخ ارز را برشمردیم و نشان دادیم که علاوه بر متغیرهای شناخته شده اقتصادی، عوامل سیاسی و نظامی و نیز قوانین و مقررات موضوعه و تغییر در آنها در تغییر و ایجاد نوسانات نرخ ارز در بازار غیررسمی (آزاد) مؤثر بوده اند. در زمینه نقش سودجویان در بازار غیررسمی ارزی نیز نکاتی را ذکر کردیم

۱۰۰۰ ریال اعلام شد و بعد از مدتی به ۹۷۵ ریال تقلیل داده شد. سپس، به منظور تجدید هر چه بیشتر بازار غیررسمی ارز اعلام گردید که در آینده سهمیه ارزی خاصی نیز برای مسافران در نظر گرفته خواهد شد و ورود و خروج ارز تا میزان معینی بدون درج در گذرنامه می تواند صورت بگیرد و متعاقباً، تعداد کالائی که با استفاده از این روش می توانست به کشور وارد شود افزایش یافت.<sup>۱</sup>

گرچه اعلام اولیه عرضه ارز ترجیحی رقابتی از سوی دولت باعث گردید تا قیمت ارز در بازار آزاد به میزان قابل ملاحظه ای کاهش یافته و قیمت برخی از کالاهای وارداتی در بازار داخلی تقلیل یابد، لکن تعیین روزانه نرخ ارز ترجیحی رقابتی و کاهش ۲/۵ درصدی بعدی آن این انتظار را ایجاد نمود که نرخ ترجیحی رقابتی در آینده نیز کاهش یابد. از این رو واردکنندگان کالا ترجیح دادند که تا روشن شدن بیشتر اوضاع بازار ارز و کاهش بعدی نرخ ترجیحی

رقابتی از ثبت سفارش و گشایش اعتبار بیشتر خودداری نمایند.

بنابراین، کاهش نرخ ترجیحی رقابتی ارز گرچه نشان داد که دولت قدرت و تمایل لازم را برای وفای به عهد خود دارد، لکن انتظارات ایجاد شده باعث گردید تا صنایع کشور به سرعت مورد نظر دست به واردات مواد اولیه نزنند. طبعاً این امر زمان آغاز رونق اقتصادی و افزایش تولید را به تأخیر انداخته است. در اولین مقاله از این سلسله نوشتار پیشنهاد شد که دولت هر چه زودتر نرخ ترجیحی رقابتی مورد نظر خود را اعلام کند و آنرا برای مدتی تشبیت نماید تا این حالت سردرگمی و انتظار هر چه زودتر پایان یابد.<sup>۲</sup>

اعلام نرخ جدید رقابتی ترجیحی دلار در سطح ۸۰۰ ریال صحه ای بود بر اظهارات مقامات پولی کشور که همچنان در جهت تضعیف بازار غیررسمی ارز و کشاندن بازار بسمت نرخ تعادل، ثابت قدم و استوارند و بازار غیررسمی نیز نسبت به این ثبات قدم با کاهش نرخ دلار از ۱۱۵۰ ریال در چند روز

▷ (۱) ر.ک: جمهوری اسلامی (مورخ ۶۸/۸/۲).

(۱) مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، «ضمیمه آشنائی با قوانین و مقررات بازرگانی -

اقتصادی»، ماهنامه بررسیهای بازرگانی شماره ۵ (مهرماه ۱۳۶۸) صص ۱۱۶-۱۲۰.

(۲) اگر هدف دولت دست یافتن به نرخ واقعی ارز از طریق آزمون و خطا یا از طریق مقایسه امکانات ارزی خود با تقاضاهای موجود در نرخ های مختلف ارز رقابتی باشد، این کار هزینه فرصت بسیار بالائی را دارا می باشد چرا که در عمل فعالیت های تولیدی را به رکود کشیده و بازار آزاد ارز را که مترصد چنین فرصت هائی است جانی دوباره می بخشد. در عوض انتخاب یک نرخ رقابتی از طریق علمی - مثلاً با محاسبه قیمت سایه ارز - و تغییر آن پس از یکسال و پس از جاقانادن وضعیت جدید ارزی کشور، می توانست هزینه فرصت به مراتب کمتری را دارا باشد.

قبل به ۹۴۵ ریال بعد از اعلام نرخ جدید عکس العمل نشان داد. لکن بنظر میرسد که خطای مرحله قبل (یعنی تاخیر در اعلام نرخ ارز) می بایست در این مرحله نیز تکرار می شد. این بار اعلام شد که نرخ ارز خدماتی نیز بزودی تعیین خواهد شد. این خبر—شاید بدلیل همزمانی انتشار آن با اعلام کاهش نرخ ارز رقابتی ترجیحی به ۸۰۰ ریال در ذهن برخی این توهم غلط<sup>۱</sup> را ایجاد نمود— و شاید برخی از سودجویان بازار غیررسمی ارز نیز عمداً به آن دامن زدند<sup>۲</sup>— که نرخ ارز خدماتی از نرخ رقابتی—ترجیحی نیز کمتر خواهد بود.

زمانیکه نرخ ارز خدماتی اعلام گردید، خریدهای به تعویق افتاده قبلی از سوی مسافران و قیمت خلاف انتظارات بازار، یکباره نرخ ارز در بازار غیررسمی را به سمت بالا حرکت داد. این امر تا حدودی نظرات قبلی ارائه شده در طول این بررسی ها را مبنی

بر اینکه دست اندرکاران بازار ارز غیررسمی (با لاقبل اکثر آنها) از اطلاعات کافی برخوردار نیستند و انتظارات خود را در این جهت شکل داده و آنها را بمرور و با تجربه تصحیح می کنند تأیید می نماید.

ولی نکته مهم اینجاست که مقامات پولی این فاصله زمانی را بین اعلام نرخ ارز رقابتی و نرخ ارز خدماتی براساس چه تحلیلی جایز شمردند. در خلال این چند روز چه کارها و محاسباتی انجام شد و اصولاً این ۴۵ ریال اختلاف آیا ارزش اینهمه شایعه و نوسان در بازار ارز را داشت؟<sup>۳</sup>

سواى تغییر و تحولات دیگری که ممکن است روی داده و به افزایش نرخ ارز در بازار غیررسمی کمک کرده باشد<sup>۴</sup>، افزایش نرخ ارز به سطحی بالاتر از آنچه پیش از اعلام نرخ ارز رقابتی ترجیحی (۸۰۰ ریال) و ارز خدماتی وجود داشت حاکی از آنست که اولاً این فاصله زمانی نسنجیده امکان وجود

(۱) بدیهی است که در شرایط سهمیه بندی ارزی، زمانیکه تمامی صنایع کشور صلاحیت کسب ارز مورد نیاز را با نرخ ترجیحی رقابتی ندارند، سخن از ارز خدماتی آنها با قیمتی کمتر از ارز رقابتی ترجیحی، هیچگونه توجیهی ندارد.

(۲) «دلایل افزایش نرخ ارز در بازار تهران»، روزنامه رسالت (چهارشنبه ۲۲ آذر ۱۳۶۸)، ص ۱۱.

(۳) این درحالیست که قبلاً تصور می شد «اگر دولت برای ارز مسافرتی نیز سقف خاصی قائل شده و به مسافران عرضه کند، شوک دوم به بازار وارد می شود و بدین ترتیب ارز آزاد دیگر در اقتصاد کشور جایی نخواهد داشت». رک. «سیاست جدید ارزی، ضوابط، تحولات»، صنعت حمل و نقل. شماره ۸۱ (آبان ۱۳۶۸) ص ۸۸.

(۴) ورود یک رزمنوا امریکائی به خلیج فارس و خبر آزمایش موشک جدید عراق و تهدید سر پوشیده این کشور در مورد احتمال بکارگیری آن در صورت شکست مذاکرات صلح، میتواند یکی از این عوامل بشمار آیند.

یافته بود و در ثانی در این مقطع نیز همچون مقاطع قبلی از سوی مقامات پولی کشور هیچگونه علائمی دال بر امکان بالا تر بودن نرخ ارز خدماتی داده نشد. در اینجا ذکر مجدد این نکته ضروریست که بازار غیررسمی ارز طالب نوسان است و در واقع از این نوسانات منتفع می شود. حال هر چه اطلاعات کمتری از سوی مقامات پولی در بازار پخش شود، برای سودجویان فرصت بیشتری جهت اشاعه تحلیلها و شایعات ساختگی که اکثراً در جهت تشدید نوسانات عمل می کند، وجود خواهد داشت. لکن متأسفانه مقامات پولی کشور گاه در خلاف این جهت عمل می کنند. بعنوان مثال، رئیس کل محترم بانک مرکزی در مصاحبه تلویزیونی<sup>۱</sup> خود اظهار می دارند که «ما در جستجوی نرخ تعادلی ارز هستیم» (که فی نفسه مطلب درستی است) ولی برای آن نرخی در نظر نداریم و هر جا این نرخ باشد ما به همان سمت خواهیم رفت - که این گفته چندان کمکی به هزاران چشم و گوش مشتاق که مایلند نشانه ای حاکی از حول و حوش نرخ مذکور بیابند نمی کند و آنها را در ابهام باقی می گذارد.<sup>۲</sup>

اگر هدف از کاهش پله ای نرخ ارزی رقابتی شکستن بازار غیررسمی ارز است علت چیست که در بحبوحه این کاهش، واردات چتائی، چوب و کاغذ چاپ و تحریر بصورت بدون انتقال ارز آزاد اعلام می شود و پس از آنکه این خیر نرخ ارز را در بازار غیررسمی افزایش می دهد<sup>۳</sup> اعلام می کنند که واردات چتائی و چوب (ونه کاغذ) می تواند با استفاده از ارزی رقابتی انجام شود. این نکته نیز قبلاً در همین سری از مقالات بعنوان یکی از عوامل ایجادکننده نوسانات نرخ ارز مورد اشاره قرار گرفته بود. البته این تحلیل نیز شاید وجود داشته باشد که بایستی از فرصت تضعیف نرخ ارز در بازار غیررسمی، جهت اعلام کالاهای جدید قابل ورود استفاده نمود. بهرحال، نتیجه نهائی که همان تشدید نوسانات باشد بقوت خود باقی می ماند.

نکته دیگر چسبانیدن عبارت شناور به نرخ ارزی رقابتی و خدماتی است که بنظر می رسد بیشتر جنبه احتیاطی مسئله مطرح باشد تا جنبه عملی آن چرا که علی رغم نوسانات شدیدی که پس از اعلام نرخ ارز خدماتی تاکنون در نرخ ارز در بازار

(۱) این مصاحبه در تاریخ ۶۸/۹/۲۹ پخش گردید.

(۲) قبلاً مطرح بود که هرگونه ابهام و تقویت آن تأثیری رکودی بر تجارت خارجی کشور و به تبع آن بر تولید و بازرگانی داخلی باقی خواهد گذاشت. این نکته ای است که در نشریه بانک مرکزی نیز صراحتاً به آن اشاره شده است. رک. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تازه های اقتصاد شماره ۴ (۱۳۶۸)

ص ۱۷.

(۳) رک: روزنامه رسالت، پیشین.

وارده به سیستم است. جلوگیری نموده و محیط مساعدی را جهت تولید و تجارت فراهم نماید.

**حالت دوم، وضعیتی است که در آن بانک مرکزی برخوردی انفعالی با نرخ ارز در بازار غیررسمی دارد و بجای داشتن یک نرخ موردنظر، تنها سعی می‌نماید با فروش ارز به قیمت کمتری با خرید ارز در هنگام تضعیف بازار تا حدودی به ثبات وضعیت آن کمک کند. در این حالت نرخ یا محدوده مشخصی موردنظر نیست بلکه تلاش در اینست که تغییرات نرخ ارز حتی الامکان آرامتر و یکنواخت‌تر صورت بگیرد.**

گزارشهای منتشره از سوی رسانه‌های گروهی جای تردیدی باقی نمی‌گذارد که در ماههای اخیر بانک مرکزی جمهوری اسلامی در بازار غیررسمی ارز حضوری فعال داشته است. اکنون باید دید این حضور را بیشتر می‌توان در قالب کدامیک از حالات پیش گفته ارزیابی نمود. مصاحبه با یکی از مسئولان ارزی کشور که در آن صراحتاً اعلام می‌گردد که بانک مرکزی نرخ معینی در مدنظر ندارد و در جستجوی نرخ تعادلی ارز در بازار است، حاکی از آن است که حضور

غیررسمی پدید آمده است، نرخ شناور ارز خدماتی و رقابتی از هرگونه شنا در این جریان پرتلاطم خودداری کرده است!

نکته دیگر، نحوه حضور رسمی بانک مرکزی در بازار غیررسمی ارز و دلایل و انگیزه‌های آن است. این حضور می‌تواند بصورتی فعال و تعیین کننده یا بصورتی انفعالی باشد:

**حالت اول، وضعیتی که در آن بانک مرکزی متناسب با اوضاع و احوال، یک نرخ (مثلاً ۱۱۰۰ ریال) و یا یک میزان معقول (مثلاً  $\pm 3\%$ ) تغییر روزانه در نرخ موردنظر خود را هدف می‌گیرد و در صورتیکه احساس شود نرخ جاری بازار غیررسمی قصد دارد از نرخ موردنظر و یا محدوده مجاز تغییر آن فراتر رود، حسب مورد اقدام به خرید و یا فروش ارز می‌کند و با استفاده از اهرم عرضه و تقاضا نرخ بازار را به سمت نرخ موردنظر خود سوق می‌دهد.<sup>۲</sup> واضح است که این نرخ لزوماً ثابت نیست و هدف بانک مرکزی نیز تثبیت کامل نرخ ارز در بازار غیررسمی نمی‌باشد، بلکه هدف آنست که بدون جلوگیری از روند تغییر نرخ ارز در طول زمان، از نوسانات شدید آن - که عمدتاً ناشی از شوک‌های موقتی**

(۱) قیمت دلار در بازار غیررسمی از ۹۴۵ ریال در ۶۸/۹/۱۷ به ۱۱۲۵ ریال در ۶۸/۹/۲۶ افزایش یافت. رجوع کنید به جدول شماره ۱.

(۲) البته در کوتاه مدت، اعلام سیاست‌های جدید ارزی و تجاری و حتی عرضه طلا نیز می‌تواند این هدف را تعقیب نماید. بدیهی است که در اینصورت بین سیاستهای ارزی و تجاری باید هماهنگی‌های قبلی به عمل آمده باشد. در درازمدت و در صورت عقب ماندن نرخ موردنظر مقامات پولی از نرخ تعادل بازار، این سیاست به کاهش شدید ذخایر ارزی و عدم موفقیت می‌انجامد.

بانک مرکزی در بازار غیررسمی ارزش حالتی انفعالی دارد. آنچه بر این ادعا صحه می‌گذارد، نحوه مداخله این بانک است. در یکی از برنامه‌های تلویزیونی اظهارات خریداران ارز، حاکی از آن بود که کارگزاران بانک اکثراً با قیمتی حدود یک تومان کمتر از قیمت بازار غیررسمی اقدام به فروش ارز می‌نمایند.<sup>۱</sup>

اینکه چرا بانک مرکزی در مرکز مورد اشاره تنها اقدام به فروش ارز (و نه خرید آن) می‌نماید نیز خود نکته قابل تأملی است. علت امر آنست که قیمت ارز در این مرکز زیر قیمت بازار است بنابراین در خیل مشتاقان (دلالتان) همه خریدارند و فروشنده‌ای وجود ندارد. ولی سوآلی که پیش می‌آید این است که با این روش دخالت در بازار غیررسمی ارز که در عمل بانک مرکزی ارز را (عمدتاً به دلالتان و سودجویان زیرا آنها عمده خریداران این مرکز هستند) عرضه می‌کند چگونه انتظار می‌رود بازار غیررسمی ارز محدود گردد؟<sup>۲</sup> اینکه چرا نباید این ارزها از طریق سیستم بانکی، آنها هم تنها به متقاضیان واقعی آن

عرضه گردد، سوآلی است درخور پاسخ. شاید علت دیگر فروش (و نه خرید) ارز در این مرکز آن باشد که در شرایط فعلی هدف بانک مرکزی صرفاً جلوگیری از افزایش (و نه کاهش) نرخ ارز در بازار ارز غیررسمی است. ولی نکته ظریفی که در اینجا نهفته این است که اگر امسال برخی دلالتان ارز با سرمایه‌ای معادل رقم فرضی ۱۰ میلیارد ریال طالب ارز باشند، سال دیگر — بدلیل افزایش سرمایه‌های ریالی خود که ناشی از سودهای مکتسبه در طول سال قبلی است — چند برابر این رقم برای خرید ارز در اختیار خواهند داشت. بدیهی است که این افزایش تقاضا دیر یا زود باعث افزایش نرخ ارز در بازار غیررسمی خواهد گردید و یکبار دیگر سیاستی که کاهش و تثبیت نرخ ارز را دنبال می‌کند، در درازمدت به افزایش آن خواهد انجامید.

البته در اینجا انگیزه‌ای نیز برای بانک مرکزی وجود دارد و آن کسب سود، یا جمع‌آوری بخشی از ریالهای سرگردان در بازار ارز غیررسمی است.<sup>۳</sup> همانطور که تجربه شده عدم عرضه روزانه ارز از سوی بانک

(۱) بعبارت دیگر، خرید از این مرکز و فروش بعدی آن در بازار آزاد سود تضمین شده‌ای حدود یک درصد دارد. اگر این امر در طول تمامی روزهای سال — بجز تعطیلات — صورت گیرد، دلالتان ارز سودی بیش از ۴۰۰ درصد در سال خواهند برد.

(۲) این عمل به مثابه آنست که برای مبارزه با احتکار، کالاهای بیشتری جهت توزیع به محتکران داده شود. این در حالیست که به گفته مسئولان، «سیستم بانکی مصمم است به طور رقابتی در بازار حاضر باشد... تا انگیزه سودآوری بازار ارز از بین برود» رک «بررسی تحولات بازارهای ارز»، صنایع پلاستیک، شماره ۱۲ (آبان ۶۸). ص ۳۵.

مرکزی در تعیین نرخ ارز در بازار غیررسمی موثر است<sup>۱</sup>. زیرا عاملین این بازار این امر را به معنی عدم کفایت ذخایر ارزی بانک تفسیر می‌کنند. بعلاوه، صرف عرضه نشدن ارز نیز خود در عمل منجر به افزایش قیمت آن می‌شود. در اینجا استفاده از دو تأثیر فوق، و نیز این احتمال عقلایی که مسئولان بانک در پیش‌بینی نرخ ارز از اطلاعات و امکانات بیشتری نسبت به عاملین بازار غیررسمی برخوردارند، به بانک این فرصت را می‌دهد که در قیمت‌های نسبتاً بالا بفروش ارز اقدام نماید و پس از فروکش کردن التهاب بازار و در شرایط عادی اقدام به خرید ارز بنماید<sup>۲</sup>. این عمل گرچه از دامنه نوسانات نرخ ارز می‌گاهد، لکن موجب تغییر رفتار سودجویان بازار غیررسمی ارز می‌گردد.

اگر سودجویان بر اساس چنین رفتاری واکنش نشان دهند، دو عکس‌العمل محتمل خواهد بود: نخست آنکه آنان نیز از رفتار بانک تقلید کنند تا با اطمینان بیشتر به سود مورد نظر خود دست یابند. در این حالت گرچه سود بانک (و سودجویان) کاهش می‌یابد، لکن تثبیت نرخ ارز با سرعت و سهولت بیشتری میسر می‌گردد. ولی مهمتر از آن، سودجویان نیز همراه با عاملین بانک از این جریان سود خواهند برد و هدف تضعیف بازار غیررسمی ارز فدا خواهد شد، مگر آنکه این حرکت بانک بنحوی از چشم آنها پوشیده بماند. حالت دوم آنست که سودجویان با اطلاع از هدف بانک و اطلاع از سود کمتر در صورت تابعیت از بانک، معاملات خود را در جهت خنثی سازی آن

▶ (۳) البته کسب سود بطور رسمی در هیچیک از بانکهای مرکزی کشورهای جهان بعنوان یک هدف تعیین نشده ولی فعالیت آنها - مگر در موارد حادی که ارزش پول کشور شدیداً به مخاطره افکنده شده و لزوم دخالت گسترده بانک مرکزی را ایجاب می‌نماید - معمولاً سودآور است.

(۱) - رک. روزنامه رسالت، پیشین، ص ۱۱.

(۲) البته حالت دیگری را نیز میتوان فرض کرد که در آن ابتدا بانک مرکزی به کاهش نرخ ارز دامن زده و سپس اقدام به خرید نماید. بهمین ترتیب از طریق قطع فروش ارز... میتوان به افزایش هر چه بیشتر نرخ ارز، قبل از فروش آن اقدام نمود. بدیهی است که در این حالت، شدت نوسانات نرخ ارز در بازار غیررسمی بمراتب شدیدتر - و حسب تعدد دخالت بانک - به دفعات بیشتر صورت خواهد گرفت. گرچه میزان سود حاصله در این حالت به مراتب بیشتر است، لکن پس از مدتی احتمال دارد که سودجویان نیز با بانک همراهی کنند و بی‌ثباتی را با شدت بیشتری بر بازار حاکم گردانند. عرضه مقادیری سکه و دلار به بازار آنها در یک هفته پیش از اعلام سیاستهای ارزی جدید دولت می‌تواند تصادفی بوده باشد، ولی بهر حال وسوسه جذب نقدینگی بقوت خود باقیست. رک، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، «علل افزایش نرخ ارز و نوسانات آن در بازار غیررسمی (بازار آزاد)». ماهنامه بررسیهای بازرگانی (آذر ۱۳۶۸)،

ص ۱۷.

تنظیم نمایند. در اینحالت یا باید درست قبل از بانک اقدام به خرید و فروش نمایند و یا اینکه تلاش کنند نرخ ارز را در جهت مخالف بانک تغییر داده و به قصد متضرر ساختن بانک عمل نمایند. که ایندو وضعیت نیاز به اطلاع دقیق از استراتژی بانک و پشتوانه ارزی و ریالی بسیار هنگفت دارد.

بهرحال در هیچیک از این حالات بانک مرکزی قادر نخواهد بود با یک وسیله (دخالته در بازار ارز) آنهم با استفاده از روشهای فعلی، به تمامی اهداف مذکور (کاهش نرخ ارز غیررسمی، تثبیت نرخ ارز، جذب نقدینگی سرگردان و تضعیف بازار غیررسمی ارز) دست یابد.

### نتایج احتمالی تغییر بعدی در نرخ ارز ترجیحی رقابتی

در این بخش از مقاله، نتایج احتمالی تغییر بعدی در نرخ ارز ترجیحی رقابتی تشریح می‌گردد که البته بدلیل کاهش قبلی در این نرخ، نتایج حاصل از کاهش نرخ ارز ترجیحی رقابتی را میتوان به سیاستهایی که تاکنون نیز اعمال گردیده تسری داد.

اگر در آینده نرخ ارز ترجیحی رقابتی افزایش یابد (مثلاً نرخ دلار ۹۰۰ ریال اعلام شود)، اولاً قیمت کالاهای وارداتی موجود در داخل کشور افزایش خواهد یافت. ثانیاً، قیمت مواد اولیه ای که از آن پس خریداری

شود نیز ۱۲/۵ درصد گرانتر تمام خواهد شد. ثالثاً، صادرکنندگان کالا - خصوصاً آنان که بخشی از درآمدها از طریق معافیت از سپردن پیمان ارزی می‌باشد - از این امر منتفع خواهند شد. رابعاً، قیمت کالاهای صادراتی در داخل کشور - در مقایسه با زمانی که نرخ ارز ترجیحی رقابتی ۸۰۰ ریال باشد - افزایش خواهد یافت. خامساً، درآمدهای ریالی دولت از طریق فروش ارز بالا خواهد رفت و تا حدودی به کاهش کسر بودجه کمک خواهد نمود<sup>۱</sup>.

واردات نیز در مقایسه با حالتی که نرخ ارز ترجیحی رقابتی ۸۰۰ ریال است کمتر خواهد بود و بالاخره درصد بیشتری از نقدینگی کشور جذب خواهد گردید. بنابراین، افزایش نرخ ارز ترجیحی رقابتی به معنای افزایش نسبی درآمدهای دولت، بالا رفتن صادرات، کاهش نسبی واردات و افزایش قیمت‌ها خواهد بود. ولی این افزایش نرخ ارز دو مفهوم دیگر را نیز تداعی خواهد کرد: اول آنکه، مقامات مسئول در کاهش اولیه نرخ ارز ترجیحی رقابتی اشتباه کرده بودند و دوم آنکه دولت به این نتیجه رسیده که در قیمت قبلی، تقاضا بیش از منابع ارزی موجود دولت بوده و از اینرو اقدام به افزایش نرخ کرده است. عیب بزرگ مفهوم تداعی شده اخیر آن است که میتواند برای برخی این انتظار را ایجاد نماید که این

(۱) - اخیراً وزیر محترم اقتصاد و دارائی کسر بودجه سالجاری را حدود نصف کسر بودجه سال قبل برآورد و



افزایش نرخ در آینده نیز صورت خواهد گرفت. که این امر در جهت تضعیف پول داخلی و تقویت بازار آزاد ارز عمل خواهد کرد.

از سوی دیگر کاهش نرخ ارز ترجیحی رقابتی (مثلاً به ۷۰۰ ریال)، در شرایط ثابت، باعث کاهش قیمت کالاهای وارداتی موجود در داخل کشور، و کالاهایی که بعداً وارد می‌شوند، خواهد گردید. صادرکنندگان — در مقایسه با حالت قبل — قدرت رقابت و درآمد کمتری خواهند داشت و قیمت کالاهای قابل صدور در داخل کشور نیز کاهش می‌یابد. درآمدهای ریالی دولت در مقایسه با حالت قبل کمتر خواهد بود و بخش نسبتاً کوچکتری از نقدینگی جذب خواهد شد. در مقابل، قدرت رقابت تولیدات داخلی با واردات کمتر میشود. کاهش نرخ ارز ترجیحی رقابتی منعکس کننده آن است که دولت منابع و توانائی کافی برای اجرای سیاست ارزی جدید را در دست دارد و این احتمال وجود دارد که در پایان دوره تثبیت نرخ ارز، قیمت ارز ترجیحی رقابتی باز هم کاهش یابد که این امر برای تقویت ریال خبری خوش و برای سوداگران بازار ارز خبر ناگواری خواهد بود.<sup>۱</sup> در این حالت — نسبت به حالت قبل — صادرات کمتر، واردات بیشتر و قیمتها پائین تر خواهد بود.

تثبیت نرخ ارز در همان سطح ۸۰۰ ریال جائی بین ایندورا اشغال خواهد کرد. البته این ارقام فرضی، حاکی از تغییرات نسبتاً کمی است، ولی هر چه نرخ اعلام شده از ۸۰۰ ریال فاصله بیشتری داشته باشد، دامنه تأثیر آن گسترده تر خواهد بود. بدیهی است که در انتخاب و اعلام نرخ جدید، دولت باید اهداف خود در زمینه تولید، تورم و صادرات غیرنفتی در برنامه پنجساله را مدنظر داشته باشد.

در یک موضوع شک نیست و آن اینکه اعلام و تثبیت نرخ ارز ترجیحی رقابتی در سطحی پائینتر، بازار غیررسمی ارز را تا حدود زیادی از رونق خواهد انداخت. خصوصاً اگر سهمیه ارزی بیشتری نیز جهت مسافران خارج از کشور اختصاص یابد. اما تجربه گذشته نشان می‌دهد که دادن ارز به مسافران گرچه در بازار غیررسمی ارز دارای آثار مثبتی است لکن با توجه به تفاوتی که بین قیمت کالاهای وارداتی و قیمت داخلی آنها وجود دارد — و نیز کمبودهای مقطعی در داخل کشور — این امر بسیاری از افراد را به استفاده از این فرصت ترغیب خواهد نمود. گرچه این امر به کاهش بیشتر قیمت‌های داخلی کالاهای خارجی و کالاهای وارداتی منجر خواهد شد ولی پیش‌بینی دقیق تعداد این قبیل مسافران و امکانات ارزی موجود

(۱) لازم است زیان احتمالی افرادی که در نرخ ۸۰۰ ریال اقدام به واردات کرده‌اند نیز مدنظر قرار گیرد، گرچه مادام که تغییرات در حد چند درصد باشد، این زیان قابل اهمیت نخواهد بود، بعلاوه این زیان توسط دولت جبران می‌گردد.

کشور حائز اهمیت بسیار است. در صورتی که کارخانجات کشور، بدلیل مسافرت‌های تفریحی (یا تجاری) عده‌ای، بدون مواد اولیه بمانند و در نهایت دولت مجبور شود سهمیه مسافری را قطع کند، در آنصورت افزایش شدیدی را در نرخ بازار آزاد ارز شاهد خواهیم بود. بعلاوه، فراموش نکنیم که بازار نفت - علی‌رغم ثبات و یا تقویت نسبی قیمت‌ها در ماه‌های اخیر - قابل اتکاء نیست و صرف کردن عمده درآمدهای ارزی کاری معقول نمی‌نماید، چرا که ما را در مقابل نوسانات بعدی قیمت و میزان صادرات نفت، بی‌دفاع باقی می‌گذارد.

بهرحال، محدودیت ارز و نرخ‌های مختلف آن از رسمی گرفته تا صادراتی، ترجیحی رقابتی و بازار آزاد و تأثیر هر کدام در تورم داخلی، قدرت خرید مردم - خصوصاً در رابطه با کالاهای اساسی - صادرات، واردات، تولید و اشتغال پیچیده‌تر از آن است که بتوان با یک نرخ رقابتی ثابت - در هر سطح که باشد - به تمام این اهداف

رسید. یقیناً در کوتاه‌مدت این نرخ‌ها همچنان تداوم خواهند داشت<sup>۱</sup> و نرخ ارز ترجیحی رقابتی باید تنها یک یا حداکثر چند هدف خاص و هم‌جهت را دنبال نماید<sup>۲</sup>. در اینجا نیز جهت حفظ اطمینان و ثبات بازار بهتر است با احتیاط حرکت کرد. در نهایت امر، تأثیر مثبت ایجاد انتظارات محدود و برآورده کردن آنها به مراتب بیشتر و مؤثرتر از ایجاد انتظارات فراوان و ناتوانی در برآورده ساختن برخی از آنها خواهد بود.<sup>۳</sup>

در اینجا بد نیست در مورد انتخاب نرخ ترجیحی رقابتی (و نرخ ارز صادراتی) نکته‌ای را متذکر شویم: در تعیین نرخ ترجیحی رقابتی ارز بایستی ارتباط بین قیمت‌های داخلی و نرخ ارز نیز مدنظر قرار گیرند. نرخ رقابتی ارز - بنابه تعریف آن - نرخیه است که باید منعکس‌کننده قدرت رقابت کالاهای داخلی و خارجی باشد و در آن نرخ بازار ارز از تعادل لازم برخوردار گردد. لکن، اگر فرضاً قیمت‌های داخلی

(۱) حتی اگر نرخ ارز ترجیحی رقابتی تنها اعمال شده باشد، در شرایط حاضر، برای حفظ قدرت خرید مردم در زمینه کالاهای اساسی وارداتی و جلوگیری از بازتاب تورمی این نرخ در مورد کالاهای صادراتی، دولت عملاً مجبور خواهد بود با دادن سوبسید و اخذ مالیات‌های لازم عملاً چندین نرخ برای ارز قائل گردد.

(۲) قاعده کلی در علم اقتصاد آن است که تعداد ابزار اقتصادی موجود با اهداف موردنظر برابر باشند و هر سیاست در جهتی که در آن بیشترین تأثیر دارد بکار گرفته شود.

(۳) اظهار کردن مطالبی از قبیل «مطمناً در آینده نرخ بازار آزاد ارز زیر قیمت ارز رقابتی خواهد بود» را میتوان از این جمله دانست. رک. «سیاست ارزی دولت، حرکت بسوی تعادل اقتصادی» روزنامه اطلاعات (مویخ ۶۸/۹/۱۹)، ص ۵.

کالا‌های قابل صدور دوبرابر قیمت‌های جهانی باشند از این مقوله نباید نتیجه گرفت که برای قابل رقابت کردن این کالاها باید نرخ ارز را به همین نسبت افزایش داد. چرا که در کشور ما، بسیاری از کالا‌های صادراتی وابستگی شدیدی به مواد اولیه و ماشین‌آلات وارداتی دارند. از اینرو، افزایش شدید نرخ ارز هزینه تولید آنها را افزایش داده و اینگونه کالاها همچنان فاقد قدرت رقابت باقی خواهند ماند.

بعنوان مثال، اگر وابستگی صنایع کشور را ۴۰ درصد و سهم این بخش در تولید ناخالص ملی کشور را ۲۰ درصد فرض کنیم و در نرخهای جاری ارز، قیمت این کالاها دوبرابر قیمت‌های جهانی کالا‌های مشابه باشد، دوبرابر کردن نرخ ارز، این محصولات را قابل رقابت نخواهد ساخت چرا که این کار باعث خواهد گردید تا هزینه تولید این کالاها — پس از دوبرابر شدن نرخ ارز — به میزان چهل درصد (۴۰٪ × ۱۰۰٪) دیگر افزایش یابد<sup>۱</sup>. بعلاوه، دوبرابر کردن نرخ ارز باعث خواهد گردید تا نرخ تورم در کشور به میزان ۸ درصد (۲۰٪ × ۴۰٪ × ۱۰۰٪) بالا برود که خود در درازمدت لزوم کاهش بیشتر ارزش پول داخلی را ایجاب خواهد نمود.

به‌همین ترتیب، اگر دولتمردان در شرایط فعلی ارز رقابتی، احساس کرده باشند که

کالا‌های تولید داخل ۳۰ درصد ارزاتر از کالا‌های مشابه خارجی است، نباید نرخ ارز را ۳۰ درصد کاهش دهند زیرا این عمل باعث خواهد شد تا هزینه این تولیدات ۱۲ درصد دیگر (۳۰٪ × ۴۰٪) کاهش یابد<sup>۲</sup>. بعلاوه نرخ تورم در کشور نیز به میزان ۲/۴ درصد (۲۰٪ × ۴۰٪ × ۳۰٪) تقلیل خواهد یافت که در جهت کاهش بیشتر نرخ ارز — در درازمدت — عمل خواهد کرد.

همانطور که در مثالهای فوق می‌بینیم، وابستگی به اقتصاد جهانی شمشیری دبله است. مادام که هزینه تولید داخلی بالاتر از قیمت‌های جهانی باشد، برای قابل رقابت کردن محصولات داخلی، نرخ ارز را باید به میزان بیشتری افزایش داد که این خود در درازمدت — با تشدید تورم داخلی — به افزایش مجدد نرخ ارز خواهد انجامید. از سوی دیگر، یک کشور وابسته به اقتصاد جهانی اگر بتواند قیمت تولیدات خود را پائین‌تر از قیمت‌های جهانی نگاهدارد، ارزش پولش افزایش خواهد یافت و این خود به کاهش بیشتر نرخ تورم داخلی و افزایش مجدد ارزش پول آن کشور در آینده منجر خواهد شد. در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم شاید بتوان ایتالیا و انگلستان را در زمره کشورهای گروه اول و ژاپن و آلمان را در زمره کشورهای گروه دوم محسوب نمود. برنامه‌ریزان و مجریان کشور ما نیز در رسیدن

(۱) برای قابل رقابت ساختن کالا‌های داخلی نرخ ارز باید به میزان ۱۶۶ درصد ( $\frac{100}{1-40}$ ) افزایش یابد.

(۲) در این حالت نرخ ارز را بجای ۳۰ درصد باید به میزان ۲۱/۴ درصد ( $\frac{30}{1+40}$ ) کاهش داد.

به اهداف توسعه صادرات غیرنفتی کشور و کاهش نرخ تورم در برنامه پنجساله باید این نکات را مورد عنایت خاص قرار دهند.

ولی پی آمد ارائه و اجرای طرح عرضه ارز ترجیحی رقابتی در بخشهای مختلف اقتصاد چه خواهد بود؟ جواب این سؤال را در ظاهر می توان با تقسیم اقتصاد به بخش های وابسته به ارز رسمی، ارز صادراتی، ارز غیررسمی و یا ترکیبی از ارزهای اخیرالذکر بررسی نمود. از نظر هزینه واردات، بخش هایی که قبلاً از ارز رسمی و یا صادراتی استفاده می نمودند و اکنون ارز ترجیحی رقابتی در اختیار آنان قرار می گیرد با افزایش هزینه واردات مواجه خواهند شد. از سوی دیگر، بخشهایی که از ارز غیررسمی استفاده می نمودند و اکنون ارز ترجیحی رقابتی در اختیار آنان قرار می گیرد با افزایش هزینه واردات مواجه خواهند شد. از سوی دیگر، بخشهایی که از ارز غیررسمی استفاده می نمودند و اکنون ارز ترجیحی رقابتی در اختیار آنان قرار می گیرد با افزایش هزینه واردات مواجه خواهند شد. از سوی دیگر، بخشهایی که از ارز غیررسمی استفاده می نمودند با کاهش هزینه روبرو خواهند بود. هزینه بخشهایی که از ترکیبی از ارزهای اخیر استفاده می کردند بسته به متوسط موزون نرخ ارز قبلی خود در مقایسه با نرخ ارز رقابتی — ممکن است با کاهش و یا

افزایش هزینه واردات روبرو شوند. در شرایط معمول این افزایش و یا کاهش هزینه واردات به تغییرات هم جهتی در قیمت تمام شده تولیدات این بخش ها منتهی شده<sup>۱</sup> و بر تورم داخلی و قابلیت رقابت تولیدات آنها در بازارهای جهانی تاثیر خواهد گذاشت.

اما بحث همین جا تمام نمی شود. علاوه بر مقایسه نرخ ارز ترجیحی رقابتی با سایر نرخ ها، میزان ارزی که در اختیار این بخش ها قرار می گیرد نیز از جهت تاثیر بر میزان تولید و همچنین قیمت (هزینه تمام شده) حائز اهمیت بسیار است. از آنجا که بازار داخلی در حال حاضر و در میان مدت با مازاد تقاضا روبرو بوده و خواهد بود، امکانات تولیدی نقش اصلی را در میزان تولید و سطح قیمت ها بازی خواهند کرد. اگر عرضه ارز — اعم از ترجیحی رقابتی، رسمی، صادراتی و غیررسمی — در حدی بیش از گذشته نباشد، طرح جدید در زمینه افزایش تولید نقش چندانی نخواهد داشت<sup>۲</sup>، گرچه بنا به موارد پیش گفته شده بر سطح قیمت ها موثر خواهد بود. البته، انتظار می رود با توقف جنگ و کاهش هزینه های ارزی (و ریالی) مربوطه، امکانات ارزی کشور در جهت تولیدات افزایش یافته باشد،

(۱) اخیراً قیمت پیکان و زنون تولیدی با این ارزها برترتیب حدود ۷۰۰ و ۵۰۰ هزار تومان پیش بینی گردید.

(۲) از افزایش درآمدهای صادراتی — اعم از نفتی و غیرنفتی — برترتیب بدلیل نوسانی بودن و روند کند رشد آنها در کوتاه مدت، صرف نظر شده است. تاکید ما در اینجا بیشتر بر تولیداتی است که وابستگی ارزی دارند.

پس سوال اصلی توزیع امکانات افزایش یافته به ارزشی و ارز رقابتی است.

تعهد دولت در زمینه تأمین کالاهای اساسی وارداتی — با لحاظ نمودن رشد جمعیت — حاکی از آن است که سهم این بخش افزایش خواهد یافت. از اینرو امکانات جدید ارزی باقیمانده — لااقل تا زمانیکه طرحهای جانشین واردات از قبیل فولادسازی و پتروشیمی به ثمر نینشند — در حد محدودی باقی خواهند ماند. این محدودیت، با عنایت به نیاز بالای ارزی صنایع کشور، احتمالاً یک سهمیه بندی ارزی و اولویت بندی بین صنایع را ایجاب می نماید، که بسیار لازم هم هست. فرض کنید چنین سهمیه بندی در کار نباشد و به تمام صنایع حسب نیاز آنها ارز ترجیحی رقابتی داده شود. در این حالت بیشترین گشایش در کسار صنایع سازنده کالاهای لوکس و غیر ضروری ایجاد خواهد شد. چرا که در گذشته بدلیل ماهیت تولیداتشان تمامی ارز خود را از بازار غیر رسمی تهیه می کردند و الان این ارز با نرخ نازلتری در اختیارشان قرار داده می شود. این مسئله در مورد تعداد زیادی از مسافران خارج از کشور نیز مصداق دارد. بنابراین، این نوع تولید و مصرف عملاً تشویق می شود.

از سوی دیگر، در صورتیکه به صنایع تولید کننده کالاهای نیمه ضروری و ضروری قبلاً "ارز صادراتی داده می شده و اکنون ارز ترجیحی رقابتی در اختیار آنان گذاشته شود، هزینه تولید آنها ممکن است افزایش یابد که با انعکاس در قیمت های بازار، به کاهش نسبی مصرف آنها منجر خواهد شد<sup>۱</sup>.

بنابراین، با افزایش امکانات ارزی، افزایش تولید و اشتغال بسیار محتمل است. لکن تاثیر ضدتورمی سیاست ارزی جدید به سهم بخش ها در اقتصاد کشور و نحوه توزیع ارز بین آنها بستگی پیدا می کند. بهمین ترتیب، قابلیت رقابت کالاهای این صنایع در بازارهای جهانی نیز عمدتاً تابع نرخ ارز و هزینه تولید آنها خواهد بود که بررسی آنها در این نوشتار نمی گنجد.

نکته آخری که در پایان لازم است مورد اشاره قرار گیرد این است که بسیاری از واحدهای تولیدی، نقدینگی لازم جهت خرید ارز با نرخ رقابتی را در اختیار ندارند و برای شروع به تولید یا باید از بانکها وام بگیرند — که از قرار معلوم در شرایط فعلی جایز شمرده نمی شود<sup>۲</sup> — و یا باید محصولات خود را پیش فروش نمایند. از آنجا که احتمال کاهش بعدی نرخ ارز رقابتی،

---

(۱) از آنجا که قیمت بالای بسیاری از تولیدات در حال حاضر تا حدودی ناشی از پائین بودن درصد استفاده از ظرفیت های تولیدی آنهاست، بالا رفتن میزان تولید می تواند در جهت کاهش قیمت تمام شده نیز عمل کند. تغییر قیمت، در نهایت، به برآیند این دو نیروی مخالف بستگی پیدا می کند.

(۲) رک. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تازه های اقتصاد، شماره ۴ (مهر و آبان ۱۳۶۸)،

مصرف کنندگان را از چنین خریدی دلسرد می نماید و نیز این احتمال وجود دارد که سرمایه های سرگردان وارد این قبیل معاملات شوند، بنظر میرسد افزایش سرمایه و عرضه سهام این شرکتها در بورس اوراق بهادار که اخیراً نسبتاً فعال و مورد استقبال واقع گردیده (در وهله اول) و استقراض از بانکها - که در غیر اینصورت زیان آنها را باید دولت، آنهم از طریق نشر اسکناس، بپردازد (در وهله دوم) مناسبترین راههای ممکن باشند. در غیر اینصورت، رونق اقتصادی موردنظر از اجرای سیاستهای ارزی اخیر باز هم مدتی به تاخیر افکنده خواهد شد.

در پایان لازم است مقامات محترم پولی کشور این نکته مهم را مدنظر داشته باشند که در اعلام تسهیلات جدید ارزی، سقف منابع ارزی موجود را نیز دقیقاً بررسی و ملاحظه نمایند. اگر در یک مقطع، به دلیل کمبود منابع ارزی، دولت از تسهیلات ارائه شده بکاهد یا در ارائه آنها تاخیری نسبتاً طولانی ایجاد نماید، واکنش بازار غیررسمی ارز بسیار شدید خواهد بود و از نظر روانی ضربه بزرگی به اطمینانهای جلب شده تا این مرحله وارد خواهد ساخت.

### نتیجه گیری

سیاست های جدید ارزی از ابتدا تاکنون در مجموع توفیقاتی داشته اند که اهم آنها را میتوان خارج نمودن برخی از صنایع دولتی و خصوصی از بازار غیررسمی ارز، ارائه ارز با نرخهای ارزاتر و باثبات تر به برخی از آنها،

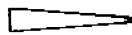
ارائه ارز خدماتی به مسافران، بیماران و دانشجویان خارج از کشور و اعلام موضع رسمی در مقابل بازار غیررسمی و حرکت در جهت آن دانست.

علی رغم موفقیت های فوق الذکر، تمامی سیاست متخذه در این رابطه را نمیتوان مثبت تلقی نمود. تاخیرهای بی مورد در اعلام نرخهای ترجیحی رقابتی، بی اطلاع گذاشتن عوامل بازار از جهت تغییرات در برخی موارد، لحاظ ننمودن پشتوانه ریالی صنایع جهت خرید ارز رقابتی - که در به تاخیر انداختن رونق اقتصادی موعود بسیار تعیین کننده است - عدم هماهنگی کامل سیاستهای ارزی و اهداف آن با سیاستهای تجاری، ایجاد انتظارات بسیار در بازار که برآورده ساختن آنها در کوتاه مدت بسیار مشکل است، و بالاخره حضور غیرمداوم بانک مرکزی در بازار و تلاش در جهت تحت تأثیر قرار دادن نرخ ارز غیررسمی از یک مکان که برای همگان شناخته شده نیست، آنهم از طریق مشتریانی که اکثراً در زمره سودجویان بازار ارز هستند را می توان از عمده نقاط ضعف سیاست های جدید ارزی محسوب نمود. نقاط ضعفی که در صورت برطرف شدن، ضربه بزرگی به بازار غیررسمی ارز وارد خواهد ساخت.

شک نیست که منابع ارزی دولت محدود است. بنابراین در تخصیص آنها باید نهایت دقت را مبذول نمود. در این رابطه، باید اعلام تسهیلات بیشتر را با وسواسی افزونتر انجام داد. در سیاستهای قبلی نیز بهتر

## جدول ۱- تغییرات قیمت دلار در بازار غیررسمی ارز

تاریخ	قیمت دلار (قیمت روز قبلی)	علت
<b>اعلام مرحله اول سیاستهای ارزی دولت</b>		
۶۸/۷/۱۷*	۱۰۰۰ (۱۲۶۰)	اعلام سیاست جدید ارزی
۶۸/۷/۱۸	۱,۱۴۵ (۱۱۸۵)	عرضه دلار، توافق ایران و شرکت میتسوئبی
۶۸/۷/۲۳	۱۰۷۵ (۱۱۴۵)	پیش بینی ثابت ماندن قیمت ارز در آینده در سطح ۱۰۷۵
۶۸/۷/۲۸	۱۰۷۵ (۱۰۷۵)	—
۶۸/۷/۳۰	۱۰۷۸ (۱۰۷۵)	رکود بازار
۶۸/۸/۱	۱۰۵۰ (۱۰۶۵)	خبر ارائه تسهیلات به بخش خصوصی
۶۸/۸/۲	۱۰۴۰ (۱۰۶۵)	کاهش نرخ ارز رقابتی و اعلام لیست جدید کالاها بدون انتقال ارز
۶۸/۸/۳	۱۰۴۲ (۱۰۴۰)	خرید دلالتان و عرضه محدود
<b>مرحله دوم سیاستهای ارزی</b>		
۶۸/۸/۴	( - ) ۱۰۲۰	سخنرانی مسئولین و اعلام نرخ ارز رقابتی ۹۷۵ ریال
۶۸/۸/۵	۱۰۴۰ (۱۰۶۰)	احتمال کاهش قیمت ارز رقابتی در آینده
۶۸/۸/۶	۱۰۴۰ (۱۰۵۰)	—
۶۸/۸/۷	۱۰۴۵ (۱۰۴۰)	—
۶۸/۸/۱۰	۱۰۵۵ (۱۰۵۰)	—
۶۸/۸/۱۳	۱۱۰۰ (۱۰۶۰)	کاهش کنترل دولت و خریدهای سودجویان در صورت عدم کنترل دولت انتظار افزایش می رود
۶۸/۸/۱۴	۱۰۹۷ (۱۱۰۲)	—
۶۸/۸/۱۵	۱۱۰۰ (۱۰۹۷)	علیرغم رای دادگاه لاهه مبنی بر پرداخت ۵۷۰ میلیون دلار از مطالبات و پیش بینی کاهش قیمت ها
۶۸/۸/۱۶	۱۰۹۰ (۱۱۰۰)	خبر آزادسازی ۵۶۲ میلیون دلار از داراییهای ایران توسط امریکا
۶۸/۸/۱۷	۱۰۹۲ (۱۰۹۰)	—
۶۸/۸/۲۰	۱۰۸۰ (۱۰۹۰)	—
۶۸/۸/۲۱	۱۰۷۰ (۱۰۸۰)	اظهارات وزیر اقتصاد و دارایی مبنی بر اعلام تثبیت نرخ ترجیحی رقابتی در آینده



تاریخ	قیمت دلار (قیمت روز قبیل)	علت
۶۸/۸/۲۲	۱۰۷۰(۱۰۷۰)	—
۶۸/۸/۲۴	۱۰۷۰(۱۰۵۹)	عدم اعلام نرخ تثبیتی از سوی دولت پیش بینی ۱۰۰ ریال کاهش در صورت اعلام نرخ ارز خدماتی
۶۸/۸/۲۸	۱۰۶۸(۱۰۷۰)	بکود بازار
۶۸/۹/۱	۱۰۷۰(۱۰۷۲)	—
۶۸/۹/۵	۱۰۷۵(۱۰۷۰)	عدم اعلام نرخ رقابتی از سوی دولت
۶۸/۹/۸	۱۰۹۰(۱۰۷۵)	—
۶۸/۹/۱۱	۱۱۳۰(۱۱۰۷)	—
۶۸/۹/۱۲	۱۱۵۰(۱۱۳۰)	انتظار تفاوت روند افزایش
<b>املام مرحله سوم سیاست های ارزی</b>		
۶۸/۹/۱۷	۹۴۵(۱۰۲۳)	اعلام سیاستهای جدید ارز و اعلام نرخ رقابتی جدید (علیرغم تلاش دلالتن در جهت مخالف)
۶۸/۹/۱۹	۱۰۴۵(۹۹۰)	—
۶۸/۹/۲۰	۱۰۹۰(۱۰۴۵)	—
۶۸/۹/۲۲	۱۱۰۰(۱۱۰۰)	—
۶۸/۹/۲۴	۱۰۹۵(۱۱۰۰)	—
۶۸/۹/۲۶	۱۱۲۵(۱۱۹۵)	—
۶۸/۹/۲۹	۱۱۴۰(۱۱۲۵)	—
۶۸/۱۰/۳	۱۱۴۰(۱۱۴۰)	—
۶۸/۱۰/۶	۱۱۱۸(۱۱۴۰)	—
۶۸/۱۰/۱۰	۱۱۲۵(۱۱۱۸)	—
۶۸/۱۰/۱۲	۱۰۷۰(۱۰۹۰)	—

مأخذ: خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، خبرها و گزارشهای اقتصادی، شماره های مختلف، مهر،  
آبان و آذر ۱۳۶۸.

• روزنامه کیهان، مورخ ۱۳۶۸/۷/۱۷



بود بجای دادن ارز بسه مسافران — که مبلغ آن در مقایسه با عوارض خروجی، بسیط هواپیما و دیگر هزینه‌های اقامت در خارج از کشور تقریباً ناچیز است — طیف گسترده‌تری از تولیدکنندگان مشمول استفاده از ارز ترجیحی رقابتی می‌گردیدند و یقیناً تاثیر این عمل در رونق اقتصادی به مراتب بیش از ارائه تسهیلات محدود به مسافران خارج از

کشور می‌باشد.

امید است انشاء... با عنایات خداوند متعال و برنامه‌ریزی‌های هر چه بهتر و جامع‌تر همزمان با تصویب و اجرای برنامه پنجساله توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، شاهد توفیقات بیشتری در خدمت به مردم محروم و مستضعف کشورمان باشیم.

\* \* \*

### منابع و مآخذ:

- ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تازه‌های اقتصاد، شماره ۴، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مهر و آبان ۱۳۶۸.
- ۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، خبرها و گزارشهای اقتصادی شماره‌های مختلف مهر، آبان و آذر ۱۳۶۸.
- ۳- «سیاست جدید ارزی، ضوابط، تحولات»، صنعت حمل و نقل، شماره ۸۱، آبان ۱۳۶۸.
- ۴- گردمرد، عباسعلی. «بررسی تحولات بازارهای ارز»، صنایع پلاستیک، شماره ۱۲، آبانماه ۱۳۶۸.
- ۵- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. ماهنامه بررسیهای بازرگانی شماره ۵، ۶ و ۷، مهر، آبان و آذر ۱۳۶۸.

ادامه از صفحه ۲۵

آزادسازی، مفری برای خروج بیشتر سرمایه از کشور، افت تولید داخلی و سایر پدیده‌های نامطلوب اقتصادی نشود بایستی بیش از بازسازی فضای تجارت و اقتصاد و یا حداقل به موازات آن به بازسازی انگیزه‌های بخش خصوصی پرداخت.

حمایتی لازم، افزایش تولید و بازرگانی داخلی را مدنظر قرار دهد. بکارگیری سیاستهای تعادلی در شرایطی مملو از عدم تعادلها و غلبه انگیزه‌های نامالم و فرصت طلبانه در اقتصاد و بازرگانی کشور ساده‌انگاری است. برای اینکه سیاست